

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۴/۱۱

حامد نوید

تحریف تاریخ قلعه اختیار الدین؛ ضرورت تصحیح معرفی نامه این قلعه (قسمت دوم)

قلعه اختیارالدین یا ارگ شاهی هرات که اسم باستانی آنرا برخی مؤرخین کهنه‌نژ نیز یاد کرده اند، بالای بلندی های شهر کهنه هرات اعمارگردیده است. اکثر باستان شناسان را عقیده براینست که این تپه طبیعی نبوده بلکه با انباشتن خاک فراوان به ارتفاع سی متر از سطح زمین به دست بشر ایجاد گردیده و سپس دژعظیم بالای آن اعمار گردیده است. این امر به ذات خود بر دلچسپی این بنا و ارزش تاریخی آن از نگاه ساختمانی می افزاید. چون کاربرد قوای عظیم بشری را در ایجاد این بنای شکوهمند بازگو میکند. طول بالاحصار هرات که برای ۲۵ قرن تمام، یک بنای نظامی بوده است، به ۲۵۰ متر از شرق به غرب میرسد و دارای ۱۸ برج ترصد و قطور برای دفاع حصاراست. قطر دیوار های این قلعه نظامی به دو متر بالغ میگردد. این نوع شیوه معماری در ایجاد استحکامات نظامی در اکثر بنا های کهن افغانستان چون بالاحصار غزنی، بالاحصار کابل و بالاحصار قندز دیده میشود که دال برهماهنگی روش های ساختمانی و شباهت شیوه های معماری در غرب، جنوب، شرق و شمال افغانستان مینماید.



قلعه شکوهمند اختیار الدین یا ارگ شاهی هرات, (عکسبرداری نویسنده)

محوطه بزرگی که در داخل حصار قرار دارد در زمان شاهرخ میرزا برای ادای نماز های عید و جمعه استفاده میشد به دو طرف این بنا دیوانهای عدلی و دفاتر دولتی قرار داشت که مراجعین از دور دستها برای اجرای کارهای شان می آمدند. در سمت شرقی این سرای بزرگ برج ملک که بخشی از قلعه رهائشی سلاطین آل کرت است هنوز به چشم میخورد و در غرب آن کاخ مرتفع و شکوهمند شاهرخ میرزا و ملکه گوهرشاد قرار دارد که به همین دلیل بنام ارگ شاهی هرات یاد گردید.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولې



نمای از دژ بندی های قلعه اختیارالدین

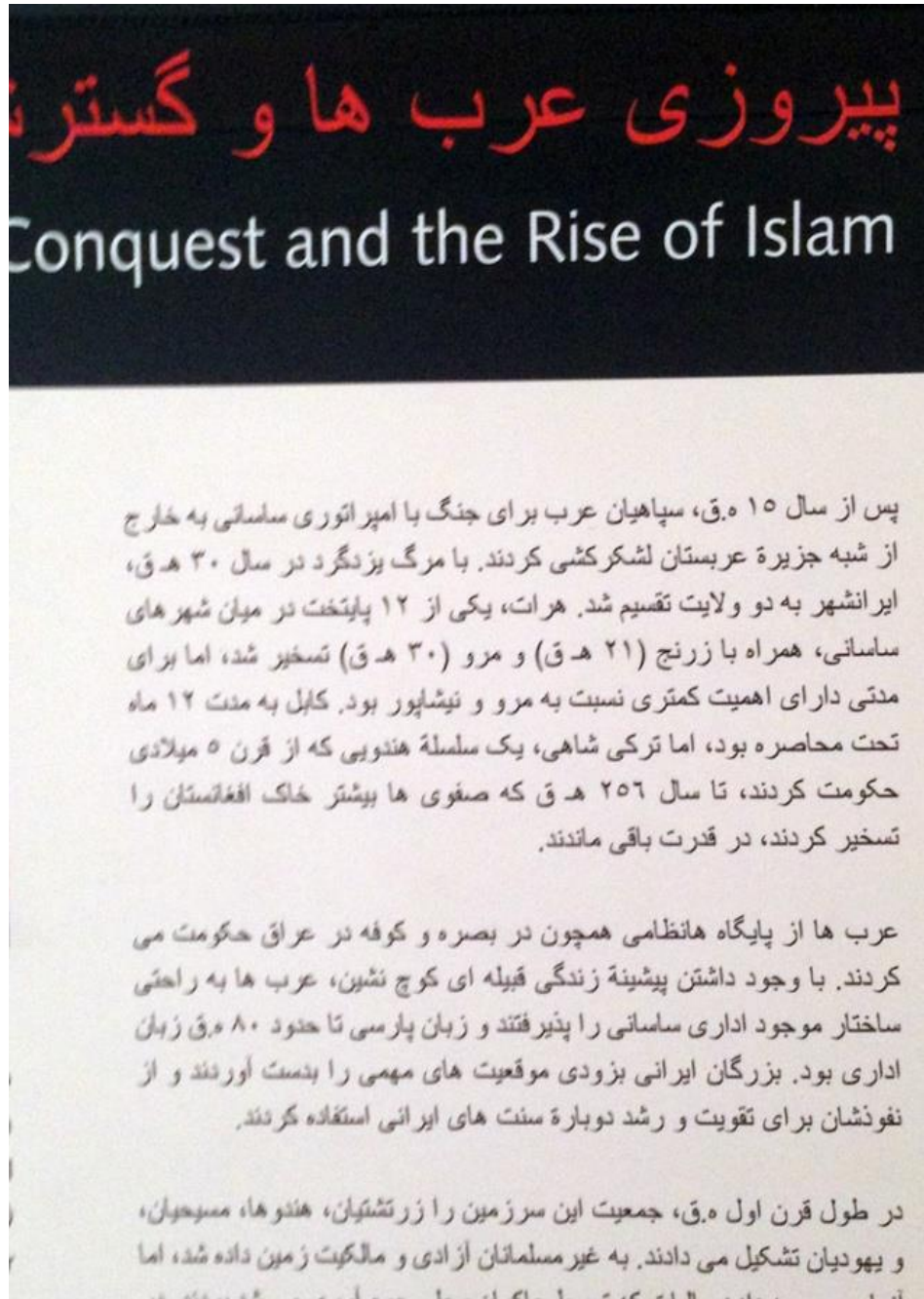
مؤرخین و باستان شناسان قدامت تاریخی ارگ هرات را ۲۴۰۰ سال پیش از امروز یعنی قرن چهارم پیش از میلاد تخمین کرده اند. ننسی دوپری Nancy Dupree مؤرخ مشهور امریکائی در کتاب رهنمای تاریخی افغانستان که یکی از معتبر ترین منابع در این رابطه بشمار میرود، نظر میدهد که اسکندر مقدونی اساس این بنا را در ۳۳۰ پیش از میلاد در هرات گذاشته است. در سده های ما بعدی، شاهان یونان باختری در قرن سوم پیش از میلاد، و به همین ترتیب در نیمه دوم قرن سوم ق. م پارتها که از قبایل فراونده حومه باختر بودند، از همین دژ در مقابله با شاهان سلوخی یونانی، در هرات مصاف دادند و بر استحکامات نظامی آن افزودند.

در اوایل قرن اول میلادی شاهان ساکه اراکوزیا (قندهار) و سپس کوشان شاهان و یفتلی ها در قرن ششم میلادی درین کاخ باستانی حکمرای داشتند. این سلسله های شاهی مستقل همه برخاسته از سرزمین افغانستان بودند، اما در معرفی نامه ارگ شاهی هرات بجای آنکه در مورد آنانیکه در ادوار پیش از اسلام در استحکام و عمران این حصار تاریخی نقشی داشته اند، معلوماتی داده شود، بیشتر بالای شاهان هخامنشی و ساسانی فارس قدیم یا ایران امروزیه هر و سیله ای که امکان داشته، و لو بی ارتباط به موضوع هم بوده، به تفصیل صحبت به عمل آمده است. در متون قدیمی یونانیان اسم هرات بنام آریا آمده است و در متون اوستائی هریوا. شهر (آریا) یا هرات، باختر (بلخ)، (درنگیانه) زرنج امروزی، آریاکوزیا (ناحیه ارغنداب و قندهار) از باستانی ترین شهرهای آریانا بوده و مؤرخین یونانی چون پولیبوس و استرابو بر علاوه این ها از شهر کوفن یعنی کابل منیحت بلاد عمده سرزمین آریانا یاد آور گردیده اند، اما درین نوشته اصلاً ذکری از کلمه آریانا نرفته و در عوض با پادشاهی هخامنشی ها و ساسانیان پارس آغاز یافته.

البته نمی توان انکار نمود که بعد از حمله شاهپور ساسانی بر قلمرو کوشان شاهان در نیمه دوم قرن سوم میلادی، هرات از تصرف کوشانی ها بر آمد، اما با ظهور امپراتوری مقتدر یفتلی ها و نبرد های شان با بهرام گور و متعاقب آن شکست فیروز اول بدست اخشنوار یفتلی، هرات کاملاً از حیطه اقتدار شاهان فارس بدر شد. در سال ۴۸۰ میلادی فیروز اول تاج شاهی اش را در پای اخشنوار گذاشت تا جان به سلامت بدر کند و پس از کشته شدن فیروز اول، شاهان فارس تا ظهور انوشیروان، بنام شاهان یفتلی برخاسته از افغانستان سکه میزدند. البته چنین وقایع تاریخی بین سرزمین های همجوار همواره واقع میگردد، اما هیچ افغان صاحب خردی به خاطر پیروزی یفتلی ها بر پارسیان، مفاخر تاریخی و فرهنگی ایران را از آن خود قلمداد نمی کند.

در ادوار اسلامی طاهر فوشنجی، از اهالی زنده جان (فوشنج) هرات در سال ۸۲۱ میلادی از حیطه اقتدار عباسیان برآمد و استقلال خراسان را از سلطه خلافت بغداد اعلام نمود. هرات بحیث پایتخت نخستین کشور مستقل اسلامی شناخته شد و همان بود که ارگ کنونی هرات به مرکز اداری طاهر فوشنجی و پسرش طلحه بن طاهر مبدل گشت.

در دوره زمامداری طاهریان بر استحکامات نظامی و برجها و بارو های دفاعی این حصار باستانی افزوده شد. به اساس یاد داشتهای مؤرخین عرب شهر هرات درین عصر منحصیث یکی از شهرهای عمده تجارتي در بین بلاد آسیای مرکزی، کشورهای سواحل شرقی مدیترانه و هندوستان شناخته میشد و از غنای سرشاری برخوردار بود. چهار دروازه این شهر بزرگ را به شهرهای عمده جهان کهن وصل میکرد. این دروازه ها تاکنون بنامهای دروازه ملک، دروازه عراق، دروازه خوش و دروازه قندهار شهرت دارند که در ازمنه قدیم چهار جاده عمده از چارسوق به این دروازه ها امتداد میافت. در قرن نهم میلادی دیگر از امپراتوری فارس اثری بجا نمانده بود، و بخشهای عمده ایران کنونی در زیر سلطه خلفای اموی و عباسی قرار داشت و بنام عراق عجم یاد میشد، اما باز هم درین معرفی نامه، نویسنده کوشیده است تا به نحوی دولت مضمحل شده ساسانی را احیای دوباره نموده و هرات را بخشی از قلمرو فارس اعلام کند. اکنون می بینیم که در معرفی نامه تاریخی ارگ هرات این ادعای غیر واقعینانه و خارج از موضوع چگونه مطرح گردیده است.



«درین نوشته که عکس برداری آن را مشاهده می کنید چنین آمده که با مرگ یزد گرد در سال ۳۰ هجری قمری ایرانشهر به دو ولایت تقسیم شد و هرات از جمله ۱۲ پایتخت ساسانی میباشند که توسط اعراب همراه زرنج و مرو...»

نخست اینکه ایرانشهر، شهر کوچکیست در ایالت سیستان و بلوچستان ایران امروزی، که نام قدیم آن پهره بود و در سال ۱۹۳۷ بنا به تصمیم رژیم پهلوی به این نام مشهور گشت، و دوم اینکه ایرانشهر ساسانی به معنی "سرزمین ایران" که خود از نگاه تاریخی موضوع قابل مناقشه ایست، ربطی به موضوع ندارد.

بهرحال چنانچه اسناد تاریخی حاکیست در دوره اقتدار صفاریان برخاسته از زمین داور و زرنج و سپس غزنویان و غوریان از قرن دهم میلادی تا قرن سیزدهم میلادی استحکامات بیشتری بر برج ها و باروهای این دژ افزوده شد و تیرکش های طولانی تری در دیوار های آن تعبیه گردید که به تیراندازان فضای مطمئن تری را برای تیراندازی و نشانه گیری دقیق فراهم میساخت. در قرن یازدهم و دوازدهم میلادی شاهان مقتدر سلجوقی بر دژبندی های نظامی ارگ هرات افزودند. در عهد زمامداری سلجوقیان ملک شاه سلجوقی و وزیر دانشمندش نظام الملک به اعمار دانش سراها و مدارس که بنام نظامیه یاد میگردید، در سراسر امپراتوری خویش پرداختند که مهمترین آن مدرسه نظامیه بغداد بود، درین مدارس بر علاوه اینکه علوم دینی و ادبی تدریس میگردید، علوم عقلی چون نجوم و ریاضی نیز درس داده میشد. در هرات بادغیس و غور نیز دانشسرا های در قرن یازدهم و دوازدهم میلادی وجود داشت که مهمترین آنها مدرسه شاه مشهد در ولایت بادغیس و رصد خانه غور بود.

متأسفانه در نوشته های معلوماتی قلعه اختیارالدین زکری از مدارس و دانشسرا های هرات نرفته است، در حالیکه در تمام عمارات تاریخی جهان معمول است تا معلومات کتبی و یا صوتی و تصویری در مورد همان بنا و وقایع تاریخی ای که در آن رخ داده، تهیه شده و بدسترس مردم قرار گیرد و یا در مورد تاریخ فرهنگ و مدنیت کشوری که آن بنای تاریخی بدان متعلق است، معلومات داده شود. اما درین نوشته های بی سرو ته که هدف اصلی آن شرح یکجانبه وقایع تاریخی ایران است نه افغانستان، مستقیماً به اقوام و کسانی که طرف تائید نویسندگان ایرانی نیستند، اهانت شده، این روش در نوشته های تحقیقی علمی مردود و غیر علمی تلقی میگردد، ولی باکمال تأسف درین نوشته به اصطلاح معلوماتی، شرح زمامداری غزنویان و سلجوقیان چنین آمده:

"در طول قرن پنجم ه. ق، علاوه بر غلامان نیروی نظامی و سربازان مزدور ترک که دارای قدرت سیاسی در بغداد بودند، قبایل مهاجر ترک زبان بسوی غرب نقل مکان کردند. در هر جاییکه آنها ساکن میشدند سلسله و امپراتوری تاسیس کرده، و باعث تغییر در الگوهای اجتماعی، قومی، نژادی و زبانی میشدند. مهمترین سر دسته این دو گروه سلجوقیان و غزنویان بودند."

درین نوشته به مردمان ترک تبار مانند سلجوقیان که از قرن ها به اینطرف در افغانستان و ماورا النهر سکونت داشته اند و ایرانی ها با ایشان خصومت تاریخی دارند، بنام "مزدوران ترک" مستقیماً توهین شده که این موضوع همچگونه ارتباط منطقی با تاریخچه اعمار این بنا و شیوه معماری آن ندارد. درینجا ذکر مسایل قومی و نژادی بسیار بی ارتباط به موضوع میباشند. بر علاوه محمود غزنوی که یکی از شاهان بزرگ افغانستان است و بخاطر تسخیر پارس ایرانیان با اودشمنی دارند، بحیث تاراجگر و چپاولگر معرفی گردیده و مورد اهانت قرار گرفته است، اما از کوشش ها و سعی فراوان او در راه رشد علوم عقلی و شعر و ادب کلمه ای نگارش نیافته، در حالیکه بزرگترین شعرای سبک خراسانی چون عنصری عسجدی، فرخی و فردوسی در دربار محمود غزنوی به اوج شهرت رسیدند. فردوسی که اشعار وی برای تاریخ نگاران ایرانی بزرگترین منبع استناد تاریخ "ایران" است در وصف محمود در دیباچه شهنامه چنین لب به سخن آغاز نموده:

جهاندار محمود شاه بزرگ
به آبشخور آرد همی میش و گرگ
ز کشمیر تا پیش دریای چین
برو شهریاران کنند آفرین
چو کودک لب از شیر مادر بشست

به گهواره محمود گوید نخست
جهان بی سر تاج خسرومباد
همیشه بماناد جاوید و شاد
کنون باز گردهم به آغاز کار
سوی نامه نامورشهریار

که مرادش از نامه نامورشهریار همانا شهنامه است.

درین ارتباط باید به عرض رساند که دریک رساله علمی جنبه های مثبت و منفی یک شخص مورد بررسی قرار میگیرد، نه آنچه که به مذاق نویسنده خوش آیند باشد. اگر محمود غزنوی چپاولگر بود آیا کوروش و داریوش هخامنشی که به قول هرودوتس مؤرخ یونانی خرمن ها و مواشی را در سرزمین های مفتوحه به تاراج میبردند، هزارن جوان را برای جنگهای شان با یونانیان به اسارت میگرفتند و شهرها و قرأ را به آتش میکشیدند، ناجیان بشر وفرشتگان روزگار بودند که درین بررسی به هم انباشته از معلومات یکجانبه، از آنها به افتخار یاد گردیده است؟

اگر محمود به دغم نگارندگان این نوشته ظالم وتاراجگر بود آیا کسرا، یا خسرو ساسانی که ایرانیان او را به حیث انوشیروان "عادل" ملقب کرده اند، دریک شبانه روز ده هزار زن و مرد از پیروان مزدک را در باغ کنار کاخش با سرهای فروهشته در خاک زنده بگور نکرد؟ لطفاً به این ابیات فردوسی درین مورد ونقاشی تاریخی ایکه دراین ارتباط وجود دارد توجه کنید:

به درگاه کسری یکی باغ بود
که دیوار او رتر از راغ بود
همی گرد بر گرد او کنده کرد
مرین مردمان را پراکنده کرد
بکشتند شان هم بسان درخت
زبر پی و زیرش سر آکنده سخت
به مزدک چنین گفت کسری که رو
به درگاه باغ گرانمایه شو
درختان ببین آنک هر کس ندید
نه از کاردانان پیشین شنید
بشد مزدک از باغ و بگشاد در
که بیند مگر بر چمن بارور
همانگه که دید از تنش رفت هوش
برآمد به ناکام زو یک خروش
یکی دار فرمود کسری بلند
فروهشت از دار پیچان کمند
نگون بخت را زنده بردار کرد
سر مرد بی دین نگون سار کرد
ازان پس بکشتش بباران تیر
تو گر باهشی راه مزدک مگیر



صحنه نقاشی "بدارکشیدن مزدک و تیرباران کردن او به امرانو شیروان"
قرن نهم هجری، موزیم متروپولیتن نیویارک

پایان قسمت دوم

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ